



www.ketab.ir



سرشناسه : نزادی نیاسر، الهیار، ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور : آیینۀ شیدایی/ الهیار نزادی نیاسر
مشخصات نشر : تهران: دندانه، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری : ۸۸ ص، ۱۴/۵ * ۲۱/۵ س م
شابک : ۲۵۰۰۰۰ ریال ۳-۱-۹۵۷۴۷-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع : شعر فارسی— قرن ۱۴
موضوع : persian poetry-20th century
رده‌بندی کنگره : PIR ۸۳۶۲
رده‌بندی دیوبند : ۸ فا ۱/۶۲
شماره ثبت کتابخانه ملی : ۵۸۷۷۰۰۸

آیینۀ شیدایی

نویسنده: الهیار نزادی نیاسر
طراحی جلد: وحید حقی
صفحه آرای: هادی محسنی
مدیر پروژه: سیامک شایان امین
مدیر فنی: معصومه مسافرین
ویراست و سال انتشار: اول، ۱۳۹۸
شمارة گاه: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۳-۱-۹۵۷۴۷-۶۲۲-۹۷۸
قیمت: ۲۵ هزار تومان



نشر دندانه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان آزادی، نبش خیابان شادمهر، پلاک ۴۰۹، واحد ۲۴
تلفن: ۰۲۱۶۶۱۵۶۰۰۳

تلفن همراه: ۰۹۱۹۹۰۸۰۰۳۶

فروشگاه آنلاین دندانه: dandane.org

کلیه حقوق این کتاب برای ناشر (دندانه) محفوظ است

فهرست

- ۹ دارد این وقت تماشای تو سر می آید
- ۱۱ خوب می دانم که در قلبش به من حق می دهد
- ۱۲ گاهی از پرچین مزگانش نگاهم می کند
- ۱۴ دائم از چشم قلم شعر روان می ریزد
- ۱۵ خداحافظ ولی یاد تو باشد
- ۱۷ تم حسرت من است جاننا
- ۱۹ ای باخبر! بدعس قلب نزار ما
- ۲۱ بر سر پیمان چشم من وفادار من
- ۲۲ پیمانه پر از شراب انگور خوب است
- ۲۳ زنده ام جاننا! ولی حال دلم مرغوب نیست
- ۲۴ من شنیدم ز گلی قصه ی یاس پر پر
- ۲۷ غضب چشم تو را شیر ندارد به خدا
- ۲۸ ما دل ز تمنای وصال تو بریدیم
- ۲۹ یک شب به دلم دشمنی و یک شب دوست
- ۳۲ در زلف چون کمندت پیچیدم نگارا
- ۳۳ در هوای دینت ای مه! چه بارانی شده؟
- ۳۴ دل من در سر خود شوق شهادت دارد

- چادرش از سر رها شد غرق در موبش شدم ۴۶
- دیوانه کند قلب مرا زلف کمندش ۳۸
- گفتم که چرا در دل تو خانه ندارم؟ ۳۹
- خندها حال خوشی بود که بیمارم کرد ۴۱
- در فراق بس که سبها دیده گریان می کنم ۴۲
- قلب من با نفس دینمی تو جان دارد ۴۳
- چه شوری به دل او عقبه پاست ۴۵
- شبیه در خواب دیدم خراب بودم ۴۷
- من نگاهت می کنم در جمع و در تنهایی ام ۵۰
- چشمم از مرثیه غریب پاییز، تر است ۵۱
- در این بازار بی عشقی بگو نرخ دلت چند است؟ ۵۳
- آخرش هم نازنین گویا مرا شناختی ۵۵
- در گیر حسادت شده ام با نگرانی ۵۷
- چون ماه، دل آرای، عاشق شده ام بر تو ۵۹
- سخت است که از دوری او دیده شود نم ۶۱
- ذوق دیدارت نتابد خواب چشمم را، سحرا ۶۳
- دائماً در دل ز هجرت آتش است ۶۴
- یاد تو به هر فصل که بر خاطره افتد ۶۵

- کاش هوشیار شوم وقت سحر ۶۷
- تو شندی بهر دلم دلبر و دلدار ترین ۶۹
- دل ما را تو دلاور به غرامت بردی ۷۱
- آمدی رفتی ولی زیبا چه کردی با دلم ۷۲
- با خ دم گفتم که چندی دور باشم از خودم ۷۳
- من مهر تو را در دل خود پاک نکردم ۷۵
- دل که زهر من بپریدیم پریدیم ۷۷
- نه فقط چشمه ریخته و بیاداری ۷۹
- دل من، بند به گیسوی ۸۰
- باید تو هر ناشدنی، ناشدنی ۸۱
- قبل از تو در آغوش غم خوابیده بودم ۸۲
- دگر دل را نمی خواهم که آن دلدار می آید ۸۴
- در گوشه‌ی چشمان تو آرام گرفتم ۸۵
- من اسیرت گشته‌ام، زنجیر می خواهی چه کار؟ ۸۶